

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۲/۳،
بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۴۷-۶۴

بررسی و ارزیابی نظریه نسخ تلاوت*

دکتر مهدی جلالی

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: MJalali13@yahoo.com

کیهان سلطانیان

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مسأله نسخ و آیات ناسخ و منسوخ در قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی است. یکی از انواع نسخ، نسخ تلاوت است که در میان مسلمانان سه رویکرد به آن وجود دارد: رویکرد اول نسخ تلاوت را باور دارد و با تکیه بر روایات و نیز استدلال عقلانی در صدد اثبات آن است. رویکرد دوم که روایات نسخ تلاوت را قطعی نمی‌داند، سعی دارد با استدلال عقلانی نسخ تلاوت را ثابت کند و رویکرد سوم که نسخ تلاوت را رد کرده و روایات و استدلال‌های عقلانی را نپذیرفته است.

در این تحقیق پس از بررسی و نقد ادله قائلان به نسخ تلاوت به این نتیجه رسیده ایم که قول به وقوع نسخ تلاوت در قرآن و همچنین رد امکان عقلی وقوع آن - هر دو - حاصل فهم شتاب زده شماری از مفسران و علمای اسلامی در گذشته و اکنون بوده است.

کلید واژه‌ها: نسخ، انواع نسخ، نسخ تلاوت.

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۰۸/۰۵؛ تاریخ تصویب نهایی ۱۳۸۷/۰۳/۱۲.

۱- طرح مسأله

دانش ناسخ و منسوخ یا علم نسخ در قرآن بیان می کند که خداوند سبحان با توجه به شرایط و اوضاع مردم، آیاتی را نازل کرده است و بعد با تغییر شرایط، آیاتی دیگر نازل شده است که حکم آن ها با آیات پیشین متضاد است. یکی از گونه های نسخ، نسخ تلاوت یعنی ازاله الفاظ آیات است. از گذشته های دور علما درباره این نوع آیات (آیات منسوخ التلاوة) بحث کرده و درباره شمار آن ها با هم اختلاف داشته اند و هر یک در عصر خویش اثری را در این زمینه نگاشته است. اکثر قریب به اتفاق اهل سنت نسخ تلاوت را پذیرفته و روایاتی نیز در این زمینه نقل کرده اند، از جمله ابن جوزی در **نواسخ القرآن**، ابن عربی در **الناسخ والمنسوخ**، طبری در **جامع البیان** این نوع نسخ را پذیرفته و روایاتی را در تأیید آن نقل کرده اند. در میان علمای متأخر نیز می توان به زرکشی در **البرهان** و سیوطی در **الاتقان** اشاره کرد. از معاصران نیز مصطفی زید و ابن عاشور در خور ذکرند. از علمای شیعه کسانی چون: شیخ طوسی در **العدة فی اصول الفقه** و سید مرتضی در **الذریعة الی اصول الشریعة** روایات وارد در این باب را به علت خیر واحد بودن، دلیل قطعی بر وقوع نسخ تلاوت نمی دانند؛ ولی در نهایت نسخ تلاوت را از نظر عقلی امری ثابت و ممکن الوقوع می دانند.

در این مقاله با بررسی ادله گروه های مذکور و در نظر گرفتن ملاک های علما برای تشخیص آیات ناسخ و منسوخ و تطبیق آن ها بر آیات منسوخ التلاوة از به این مطلب دست یافتیم که ادله موافقان وقوع نسخ تلاوت برای اثبات مدعا کافی نیست، چنان که ادله مخالفان امکان عقلی وقوع نسخ تلاوت نیز درست به نظر نمی رسد و برای اثبات قرآنی بودن آیات منسوخ التلاوة یا رد امکان وقوع عقلی آن نباید در دام آن همه توجیه های بیهوده بیفتیم. ضروری است که پژوهشگر، روایات و کتب «اسباب نزول» و «ناسخ و منسوخ» را با نگاهی تاریخی و انتقادی بازخوانی کند تا در دام توجیه ها و تأویل های جدلی از این روایات و مکتوبات نیفتد (ابوزید، ص ۳۴).

۲- نسخ در اصطلاح

در تعریف اصطلاحی نسخ بین علما از مفسران تا اصولیان اختلافی وجود ندارد و می توان گفت همگی تعریف مشابهی را ارائه داده اند. در این تعریف گفته اند: «نسخ یعنی رفع حکم شرعی توسط شارع به دلیلی شرعی که متأخر از حکم اول باشد» (قتاده، ص ۶؛ ابوزهره، ص ۱۷۶).

۳- انواع نسخ

دانشمندان مسلمان با توجه به آیات و روایات، نسخ را به چند دسته تقسیم کرده اند که هر چند بر این انواع توافق نظر ندارند، در جواز اصل وقوع نسخ متفق اند (سیوطی، ۲/ ۷۰۱). از میان انواع نسخ تنها یک نوع از نظر محدثان و مفسران و علمای اصولی از آغاز تاکنون پذیرفته شده و آن نسخ حکم و باقی ماندن تلاوت است. در هر حال صاحب نظران نسخ را سه دسته کرده اند:

۱- **نسخ تلاوت و حکم:** در این نوع هم حکم و هم تلاوت آیه منسوخ می شود. قائلان به این نوع نسخ به روایات و آیاتی استناد می کنند، مانند روایتی از ابوموسی اشعری که می گوید سوره ای مثل سوره «برائت» نازل و سپس رفع (نسخ) شد (سیوطی، ۲/ ۷۱۹).

۲- **نسخ تلاوت و بقای حکم:** در این نوع، الفاظ آیه رفع (نسخ) و زایل می شود؛ اما حکم آیه همچنان باقی است و بایستی به آن عمل گردد. مشهورترین نمونه آیه رجم در نقلی از عمر بن خطاب است: «**كان فيما انزل من القرآن: الشيخ و الشيخة اذا زنيا فارجموهما البتة**» (مالک ابن انس، ۴/ ۱۴۵، حدیث شماره ۱۶۰۱).

۳- **نسخ حکم و بقای تلاوت:** در این نوع، حکم آیه نسخ می گردد؛ اما لفظ و تلاوت آن باقی می ماند. فایده ذکر شده برای بقای تلاوت این است که با تلاوت آیه ثوابی عاید قاری می گردد یا این که شخص می فهمد که خداوند با نسخ این حکم و آوردن حکمی بهتر از آن، لطف بزرگی به بندگانش کرده است (زرقانی، ۲/ ۴۷۵-۴۷۴) مانند

آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله که آیه ۱۳ ناسخ آیه ۱۲ است. از میان این سه نوع نسخ، نوع اخیر (نسخ حکم و بقای تلاوت) مورد اتفاق تمامی مسلمانان به جز ابومسلم اصفهانی است؛ اما دو نوع دیگر طرفدارانی دارد، چنان که مخالفانی نیز (العریض، ص ۲۱۵). آن چه در این مقاله بررسی شده بدین شرح است:

۱- دیدگاه های موجود درباره نوع اول و دوم نسخ؛ یعنی «نسخ تلاوت» در هر دو شکل آن (نسخ تلاوت و حکم/نسخ تلاوت و بقای حکم).

۲- نقاط ضعف و قوت این دیدگاه ها.

۳- نگاه ویژه نگارندگان، به مسأله «نسخ تلاوت» با ذکر دلایل آن.

۴- نسخ تلاوت از دیدگاه علمای شیعه

علمای متأخرتر شیعه تحقق خارجی و نیز امکان عقلی نسخ تلاوت، هر دو را رد کرده اند. ظاهراً تنها مرحوم ابوالحسن شعرانی امکان عقلی نسخ تلاوت را قبول دارد (کاشانی، ۱/ ۲۷۳). این عده قبول امکان نسخ تلاوت را خطرناک تلقی کرده و گفته اند: «پذیرش نسخ تلاوت همان پذیرش تحریف قرآن است» (خویی، ص ۳۰۴) همچنین تحقق نسخ تلاوت را نقضی برای قرآن دانسته و روایات موجود در این زمینه را رد می کنند. (عسکری، ۲/ ۳۲۹-۳۳۱).

در مقابل، شماری از علمای شیعه به امکان عقلی نسخ تلاوت قائل بوده اند: قطب راوندی (فقه القرآن، ۱/ ۲۰۴) علامه حلی (قواعد الاحکام، ۱/ ۲۱۰؛ مبادی الاصول، ص ۱۸۱؛ منتهی المطلب، ۱/ ۷۷) محقق حلی (معارج الاصول، ص ۱۷۰) سید مرتضی (الذریعة، ۱/ ۲۹-۴۲۸) شیخ طوسی (عدة الاصول، ۲/ ۵۱۷-۵۱۴) فیض کاشانی (تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۳۲).

سید مرتضی در «الذریعة الی اصول الشریعة» می نویسد: حکم و تلاوت دو عبادت اند که هر یک از مصلحتی جداگانه تبعیت می کنند، بنابراین جایز است که نسخ

به اقتضای مصلحت در هر دو با هم یا در یکی از آن دو به تنهایی روی دهد (۴۲۹/۱).
 شیخ در تفسیر تبیان ذیل آیه «ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها...» (بقره
 ۱۰۶/۱) پس از بیان انواع نسخ و اشاره به آرای موجود نسخ حکم به تنهایی و نسخ
 تلاوت با حکم و نسخ تلاوت بدون حکم را می پذیرد. و با تعبیر «و
 هوالصحیح» بر دیدگاه اخیر مهر تأیید می زند (طوسی، تبیان، ۳۹۴/۱). او در جای دیگری
 می نویسد: چون تلاوت به تنهایی عبادت است و حکم نیز عبادتی دیگر، در هر یک از
 آن دو جدا جدا یا با هم جایز است نسخ روی دهد. ممکن است که مصلحت الهی به
 یکی از این دو (لفظ آیه یا حکم موجود در آن) تعلق گیرد، پس گاهی مصلحت فقط
 در تلاوت است که باقی می ماند و حکم نسخ می گردد و گاهی مصلحت فقط در
 حکم است که باقی می ماند و تلاوت نسخ می گردد» (عدة الاصول، ۵۱۴/۲). به نظر
 می رسد که شیخ طوسی بر آن است امکان وقوع نسخ تلاوت را توجیه عقلانی کند. او
 پس از ذکر نمونه هایی از روایات موجود درباره امکان وقوع عملی نسخ تلاوت،
 همچون روایت آیه رجم و عشر رضعات می نویسد: این موارد را به عنوان ذکر مثال
 بیان داشتیم و چنانچه هیچ یک از این موارد نیز واقع نشده باشد [و روایات مزبور
 پذیرفته نگردد] با توجه به دلایلی که پیش از این ذکر نمودیم به جواز و صحت آن چه
 درباره این امر (امکان عقلی وقوع نسخ تلاوت) بیان داشتیم، خللی وارد نمی شود
 (همان، ص ۵۱۷).

علامه مجلسی در مرآة العقول، باب الحدود پس از ذکر آیه رجم (الشیخ والشیخة
 اذا زنيا فارجموهما البتة...) می گوید که این روایت صحیح است و این از آیات منسوخ
 التلاوة شمرده می شود (۲۷۶/۲۳).

ابوالحسن شعرانی از علمای متأخر شیعه می نویسد: یکی از مشاهیر زمان در
 کتاب البیان، نسخ تلاوت را سخت انکار کرده و آن را در معنی تحریف شمرده است؛
 ولی این سخن درست نیست، زیرا تحریف در هر کتاب آن است که دیگران تصرف

کنند؛ نه این که خود مؤلف بعضی عبارات را حذف و تبدیل کند و بهتر آن بود که می گفت ثبوت منسوخ التلاوة به خبر صحیح ثابت نشده است» (کاشانی، ۱/ ۲۷۳).

برخی دیگر از متأخران شیعه این دیدگاه را رد می کنند و آن را متأثر از دیدگاه اهل سنت می دانند و می گویند آن دسته از علمای شیعه که امکان وقوع عقلی نسخ تلاوت را پذیرفته اند گویا بدون اینکه روی صحت و سقم موضوع اندیشه کنند، صرفاً با الگو گرفتن از دیدگاه اهل سنت امکان عقلی وقوع نسخ تلاوت را پذیرفته اند (عسکری، ۲/ ۳۰۶-۳۰۴).

۵- نسخ تلاوت از دیدگاه اهل سنت

علمای اهل سنت چه در گذشته و چه در دوره های متأخر نسخ تلاوت را پذیرفته اند و بر اساس روایات زیاد صحیحین و مجامع حدیثی شان و به مدد استدلال عقلانی همواره درصدد اثبات این نوع نسخ بوده اند. از متقدمان می توان به قتاده، ابن بارزی، زهری، قاسم بن سلام، ابن جوزی، زرکشی، سیوطی و از علمای متأخر به مصطفی زید، عبدالعظیم زرقانی، مناع القطان و... اشاره کرد.

۶- دسته بندی موافقان و مخالفان نسخ تلاوت

موافقان و مخالفان نسخ تلاوت اجمالاً در چهار گروه قرار می گیرند:

- ۱-۶ گروه اول: کسانی که نسخ تلاوت را پذیرفته و با ادله عقلی و نقلی درصدد اثبات آن اند.
- ۲-۶ گروه دوم: کسانی که قائل به نسخ تلاوت اند؛ اما فقط ادله عقلی را اثبات کننده آن دانند و روایات را دلیل محکمی نمی بینند.
- ۳-۶ گروه سوم: کسانی که به طور کلی منکر نسخ تلاوت اند و آن را مخالف نقل صحیح و عقل سلیم می پندارند.

۴-۶- گروه چهارم: کسانی که تنها یکی از شاخه های نسخ تلاوت را نادرست می دانند؛ اما شاخه دیگر را سالم و بدون نقص می یابند؛ یعنی نسخ تلاوت و حکم با هم را پذیرفته، نسخ تلاوت بدون حکم را بی فایده و خالی از حکمت می دانند.

درباره پیشینه و زمینه تاریخی مبحث نسخ تلاوت، برخی این فرضیه را مطرح کرده اند که در میان احادیث اهل سنت روایات فراوانی دال بر از دست رفتن بخشی از وحی قبل از جمع قرآن ابوبکر موجود بوده است و این اخبار که روایان موثق روایت کرده بودند، رفته رفته مشکلاتی برای اهل سنت به وجود آورد، به طوری که مخالفان-شان در جدل های کلامی، استدلال تازه ای علیه آنان یافتند مبنی بر بروز تغییر در مصحف عثمانی و در نهایت، اهل سنت را به تحریف قرآن متهم کردند. بعد ها فقهای سنی برای فرار از این اتهام به دوری گزیدن از نقل این اخبار روی آوردند و نقل و ارجاع به این اخبار قدیمی را ممنوع کردند؛ حتی اگر تمام سلسله روایان ثقه باشند (زرکشی، ۱۷۱/۲). از سوی دیگر اهل سنت نمی توانستند از همه این احادیث چشم پوشند، زیرا بسیاری از این روایات را روایان ثقه و مقبول از صحابه نقل کرده بودند، از این رو عالمان اهل سنت ناگزیر شدند تقسیم بندی جدیدی از نسخ ارائه دهند. از آن جا که در این روایات از آیاتی یاد شده بود که در قرآن متداول یافت نمی شد، چاره ای ندیدند جز اینکه از این آیات با عنوان «منسوخ التلاوة» یاد کنند که این اصطلاح تا زمان حاضر، صحیح تلقی می شود (مدرسی طباطبایی، ص ۴۱-۷۳).

۷- دلایل موافقان و مخالفان نسخ تلاوت

۷-۱- گروه اول: از قائلان به نسخ تلاوت برای اثبات ادعای خود به نصوصی از کتاب و سنت و گاهی به دلایل عقلی استناد می جویند. برخی آیات مورد استدلال چنین است:

۱- «و اذا بدلنا آیه مکان آیه» (نحل ۱۰۱) از این آیه استفاده می کنند که تبدیل و تغییر

آیه می -تواند شامل لفظ آیه نیز شود.

۲- «یحمو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب» (رعد/۴۱) «محو» دلیل بر محو کلی آیه است.

۳- «ما ننسخ من آية أو ننسها نأت بخير منها أو مثلها...» (بقره/ ۱۰۶) در این آیه «نسخ» و «نسا» - البته به معنی فراموشی - را دلیل بر وقوع نسخ تلاوت می دانند.

۴- «سنقرئك فلا تنسى الا ما شاء الله» (اعلیٰ/۶-۷)

۵- «لئن شئنا لنذهبن بالذی أوحینا الیک» (اسراء/۸۶)، (الحفناوی، ص ۳۶۴).

چون این آیات به تنهایی دلیل وقوع نسخ تلاوت در عالم واقع نیست، برای تکمیل این دلیل و اثبات وجود دلیل در خارج از قرآن، به روایات و احادیث صحیح-السندی نیز استدلال می کنند:

۱- روی ابن عباس عن عمر انه قال: إن الله عزوجل بعث محمداً بالحق، و انزل معه الكتاب، فكان مما انزل اليه آية الرجم. فرجم رسول الله (ص) و رجمنا بعده. ثم قال: كنا نقرأ: و لاترغبوا عن آياتكم فانه كفر بكم، او إن كفرأ بكم أن ترغبوا عن آياتكم (ابن حنبل، ج ۱/۴۷).

۲- روی عن زر بن حبیش ان ابيا قال يا زر: كاین تقرأ سورة الاحزاب؟ قلت: ثلاث و سبعین آية. قال: ان كانت لتضاهي سورة البقرة او هي أطول من سورة البقره... (منتخب كنز العمال بهامش مسند احمد، ۲/ ۴۳).

۳- دو سورة خلع و خفد در مصحف ابن عباس و أبی بن كعب: اللهم اننا نستعینك و نستغفرک و ننتی عليك و لانكفرک و نخلع و نترك من يفجرک اللهم ایاك نعبد و لك نصلى و نسجد و الیک نسعی و نحفد. نرجو رحمتك و نخشى عذابك. ان عذابك الجد بالكافرين ملحق... (سیوطی، ۲/۷۲۱).

قابل ذکر است که برخی از عالمان شیعه نیز به مثل این روایات استناد کرده اند، از جمله محمد باقر مجلسی در مرآة العقول می نویسد: روایت آیه رجم در

کافی^۱ صحیح است و این آیه از جمله آیاتی است که لفظ آن نسخ و حکمش باقی مانده است (۲۶۷/۲۳).

۷-۲- گروه دوم: از قائلان به نسخ تلاوت می گویند ثبوت نسخ مسأله ای است و ثبوت نزول قرآن مسأله دیگر. در ثبوت نسخ دلیل ظنی یا خبر واحد کافی است؛ اما ثبوت نزول قرآن می بایست با دلیلی قطعی باشد (القطان، ص ۲۳۸). شارع اگر بخواهد، حکم یا تلاوت رابه تنهایی یا هر دو را باهم به مقتضای حکمت و مصلحت رفع می کند (زرقانی، ص ۴۸۹). نسخ تلاوت در صورتی جایز نیست که شارع دلیلی بر آن اقامه نکند؛ اما اگر دلیلی باشد نسخ تلاوت جایز است و تلیسی از سوی شارع بر بندگان نخواهد بود. مقصود از دلیل، آیات و روایات است. خداوند به مقتضای حکمت خود آیاتی را نسخ کرده است تا قرآن در حجم محدودی آسانتر حفظ و نگهداری شود (همان، ص ۴۹۰). اگر ما فایده و حکمت مطلبی را در نیافتیم، دلیل بر بی فایده بودن و حکمت نداشتن آن نیست؛ بلکه فایده و حکمتی دارد که از دید ما پنهان است. نسخ تلاوت نیز از این قاعده مستثنی نیست (همان). رفع و پاک کردن تلاوت آیات از طرف خدا از حافظه رسول (ص) عقلاً محال نیست، پس اعتقاد به چنین امری و وقوع آن در عالم واقع جایز است (طبری، ۴۸۰/۲).

۷-۳- منکران نسخ تلاوت در رد روایات بیانگر نسخ تلاوت این گونه استدلال کرده اند:

اگر چه بعضی از روایات سند صحیح دارند، اما صحت سند لزوماً دال بر صحت متن نیست، چون این اخبار خبر واحداند و با این گونه اخبار نه می توان قرآن و نه نسخ آن را ثابت کرد (العریض، ص ۲۱۵). مسلمانان اجماع دارند که قرآن از ابتدا قطعی الثبوت بوده و در اثبات آن خبر واحد راه نداشته است، پس در اثبات هر آیه و قرآنی

۱. و باسناده عن یونس عن عبد الله بن سنان قال: قال ابو عبد الله (ع): الرجم فی القرآن قول الله عزوجل: إذا زنی الشیخ والشیخه فارجمهما البتة فانهما قضیا الشهوة (کلینی، ۱۷۶/۷). بررسی و نقد روایات مزبور در بخش ادله منکران نسخ تلاوت خواهد آمد.

بودن هر سخنی، باید دلیلی قطعی در دست باشد و اگر روایتی حتی به مرحله مستفیض هم برسد، قابل قبول نیست، بنابراین دیگر مجالی برای خبر واحد باقی نخواهد ماند (خوئی، ص ۲۲۴؛ صالح، ص ۲۶۵). در بعضی از روایات عبارت «کان فی ما انزل» آمده که معمولاً مشترک است در تمامی آن چه به پیامبر (ص) القا می شده است (چه به صورت وحی قرآنی یا وحی تفسیری و الهام) و محتمل است راوی به اشتباه آن را جزو قرآن تصور کرده باشد (العریض، ص ۲۱۷).

همچنین روایات نسخ تلاوت خبر واحدند و نباید به آنها اعتنا کرد (همان)؛ اگر واقعاً نسخ تلاوتی روی داده بود، جمع قابل توجهی از صحابه آن را حفظ می کردند یا در مصاحف خود آن را می نوشتند؛ در حالی که روایات نسخ تلاوت، یک یا دو راوی بیشتر ندارند (همان). شماری از روایات، تأویل و تفسیر آیه اند که به اشتباه جزو قرآن به شمار آمده اند، مانند تفسیر «صلاة الوسطی» به «صلاة العصر» که برخی نبودن آن ها در قرآن را حمل بر نسخ تلاوت یا تحریف قرآن کرده اند (عسکری، ۲۸۳/۳-۲۷۸). شماری از روایات الفاظی دارند که ایهام دارند. به طوری که شخص گمان می کند در آن، سخن درباره آیه ای از قرآن است، مانند لفظ «أقرأنی» (بر من اِقرأ کرد)؛ لیکن این گمان خطاست و ناشی از درک نادرست و نارسا از پاره ای اصطلاحات در صدر اسلام است. توضیح آن که «إقرأ» در آن روزگاره معنای آموزش قرائت همراه با تفسیر آیات بوده و مقری به کسی گفته می شد که قرآن را همراه با تفسیر آموزش می داد و قاری هم بر کسی اطلاق می گشت که قرآن را همراه با تفسیر آن فرا می گرفت. اما با گذشت ایام، این اصطلاحات معنای اصلی خود را از دست داد و تنها بر تعلیم قرائت قرآن و امور مربوط به آن اطلاق شد، از این رو «أقرأنی فلان» یا «جاء فی قراءة فلان کذا وکذا» در روایات، یعنی در کیفیت قرائت، آموزش و تفسیر فلان شخص چنین و چنان آمده است لیکن در دوره های متاخرتر به سبب تغییر و تحوّل در معنای اصطلاح مزبور، روایان پنداشته اند که مراد، آیه قرآنی است که از قرآن مرسوم و متداول حذف شده

است (عسکری، ۸۱/۳-۲۸۰).

۷-۴- یک گروه نه به طور کلی نسخ تلاوت را قبول دارد و نه به کلی آن را رد می‌کند. اینان از دو نوع نسخ تلاوت فقط نسخ تلاوت و حکم با هم را قبول دارند، از جمله این افراد می‌توان به مصطفی زید و ابن عاشور اشاره کرد.

مصطفی زید می‌گوید: آیه «وإذا بدلنا آية مكان آية...» (نحل / ۱۰۱) و آیه «ما ننسخ من آية أو ننسها نأت بخير منها...» (بقره / ۱۰۶) اظهر آن است که فقط دو نوع نسخ را بیان می‌کنند: ۱- حکم منسوخ شده و لفظش باقی مانده است. ۲- حکم و لفظ هر دو نسخ شده و آیه دیگری به جای آن نازل شده است. او معتقد است که در هر دو نوع نسخ باید حکم یا حکم و لفظی بدل از آیه منسوخ نازل شود. از نظر او نسخ تلاوت موجب طعن در قرآن نیست، زیرا خداوند حفظ آن را متکفل شده است و نیز صحت نسخ لفظ و حکم به این وابسته است که رفع آن‌ها در زمان حیات رسول (ص) به اثبات برسد و مادامی که بدلی بهتر و یا مثل آیه قبلی نازل شود، نسخ اشکال ندارد (۲۷۹/۱-۲۸۰).

ابن عاشور ذیل آیه ۱۰۶ بقره می‌نویسد: اصل، نسخ تلاوت و حکم با هم است و نسخ حکم و بقای تلاوت واقع شده است؛ اما نسخ تلاوت و بقای حکم بی‌فایده است (۶۴۵/۱).

مصطفی زید روایات «نسخ تلاوت و بقای حکم» را مضطرب‌المتن می‌داند و می‌گوید: سلامت سند همیشه دال بر صحت متن نیست، پس نسخ تلاوت و بقای حکم فقط فرضی است که حتی در یک جا به حقیقت نپیوسته است؛ از این‌رو ما آن را به سبب ثابت نشدن با خبر متواتر صحیح رد می‌کنیم (۸۵/۱-۲۸۳).

۸- بررسی اجمالی دلایل موافقان و مخالفان نسخ تلاوت

در این بررسی کسانی که نسخ تلاوت به تنهایی را قبول ندارند با کسانی که به

نسخ تلاوت و حکم باهم قائلند، در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته اند:

۸-۱- قائلان به نسخ تلاوت به آیاتی همچون آیه ۱۰۶ بقره (ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها...) استدلال می کنند. لازم به یادآوری است که میان عالمان درباره مصداق آیه در این جا اختلاف است: برخی مانند محمد عبده لفظ «آیه» در «ما ننسخ من آیه...» را به دلایل و معجزاتی تفسیر کرده اند که خداوند با آن ها رسولانش را تأیید می کند و معجزه پیامبر بعدی جایگزین و بدیل معجزه پیامبر قبلی می گردد (۴۱۷/۱).

دیدگاه دیگر نسخ در این آیه را نسخ احکام یک شریعت با شریعت پس از خود می داند و نتیجه می گیرد که این آیات دلیل قطعی بر مشروعیت نسخ اصطلاحی در قرآن نیست و اگر چنین بود کسانی همچون ابومسلم اصفهانی به کلی نسخ را مردود نمی شمردند (قرضاوی، الجدل حول آیه السیف).

۸-۲- دلیل دیگر آیه ۱۰۱ نحل «وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً» است که به اتفاق صاحب نظران مکی است و حال آن که در دوران مکه نسخ روی نداده است (قرضاوی، الجدل حول آیه السیف).

۸-۳- مصطفی زید نسخ تلاوت و بقای حکم را به سبب این که قرآن بر آن دلالت ندارد و روایتی صحیح و سالم المتن در این باره وجود ندارد، صراحتاً رد می کند. به نظر می رسد که او دو آیه ۱۰۶ بقره و ۱۰۱ نحل را دال بر نسخ تلاوت و حکم با هم می داند؛ اما چنین چیزی را نمی توان به طور قطع از آیه برداشت کرد، زیرا مخالفان چنین نسخی به سیاق همین آیه استناد کرده اند (قرضاوی، الجدل حول آیه السیف). مصطفی زید افزون بر این امر، نسخ تلاوت و بقای حکم را به دلیل مضطرب المتن بودن روایات در این باب مردود می داند. با این وجود خود او در اثبات نسخ حکم و تلاوت با هم به روایاتی استناد می کند که نه تنها از لحاظ متن دچار نوعی اضطرابند که سند آن ها نیز از نظر برخی اندیشمندان صحیح نیست. به عنوان مثال روایت «لو کان لابن آدم وادیان...» را که «غریب» دانسته اند (ابن عاشور، ۱/۶۴۵)

مصطفی زید مورداستناد قرار داده است (زید، ص ۲۸۲) و روایت دیگری را در اثبات نسخ تلاوت از تفسیر طبری نقل کرده (۴۷۹/۲) که چنین است: «ان بلغوا عنا قومنا أننا لقینا ربنا فرضی عنا و أرضانا» یا «بلغوا عنا قومنا إننا لقینا ربنا فرضی عنا و أرضانا» یا «بلغوا عنا قومنا أن لقینا ربنا، فرضی عنا و أرضانا». آیا وجود چنین روایاتی که متن آنها دارای اضطراب است را می توان دلیل بر نسخ تلاوت گرفت؟ از سوی دیگر آیا می توان پذیرفت که اصحاب پیامبر (ص) به این روایت بی توجه بوده اند و تنها انس بن مالک آن را نقل کرده باشد، چون هر جا پای قرآن در میان باشد به طور طبیعی راویان زیادی در حد تواتر باید وجود داشته باشند. مقصود آن است که قرآنی که چیزی را نمی توان با خبر واحد ثابت کرد، پس روایاتی که خبر واحداند و شماری از آن ها مضطرب‌المتن و بخشی خارج از موضوع نسخ، نمی توانند مستند نسخ تلاوت قرار گیرند.

ابن عاشور نسخ تلاوت بدون حکم را بی فایده دانسته و نسخ تلاوت و حکم با هم را اصل قرار داده است (۶۴۵/۱)؛ اما هیچ فایده ای برای این اصل بودن ذکر نمی کند و فقط اشاره می کند که نسخ تلاوت و حکم نباید از نوع فراموشی باشد، چون پیامبر (ص) از این مسأله معصوم است (۶۴۴/۱).

طبری می گوید کسی حق ندارد بگوید نسخ تلاوت روا نیست، چون عقلاً جایز است که [به اراده خداوند] بعضی از آیات از حافظه رسول... (ص) پاک گردند، پس چنین نسخی جایز است (۴۸۰/۲). ظاهراً مقصود طبری این است که هر آن چه عقل آن را محال نپندارد و امکان وقوعش را قبول کند، جایز است اتفاق بیافتد البته در این مورد از جانب شرع نیز مؤیداتی در تأیید آن باید موجود باشد (مظفر، ص ۲۳۷).

با این وجود زمانی می توان گفت که حکم عقل همان حکم شرع است که تمام عقلاً به طور مساوی بتوانند مصلحت و مفسده یک امر را دریابند تا بتوانند حکم آن را نیز بیابند (همان). به نظر می رسد که مظفر در مسأله نسخ تلاوت، چنین اتفاق نظری را میان عقلاً قبول ندارد و با این دیدگاه سخن طبری را نقد ورد کرده است.

۸-۴- مصطفی زید برای پذیرش نسخ به طور کلی، دو شرط گذاشته است: یکی این که در زمان حیات رسول(ص) بوده باشد و دوم این که بدیل و جایگزینی برای آن بتوان یافت(۲۷۹/۱-۲۸۰)؛ اما برای روایاتی که به عنوان منسوخ التلاوة از آن ها یاد می کند دلیلی قطعی نیاورده است(۲۷۹/۱-۲۸۵). اگر دلیل قطعی در دست نباشد به هیچ عنوان نمی توان حکم منسوخ التلاوة را از روایات، آن هم روایات آحاد و مضطرب المتن استنتاج کرد.

۸-۵- برخی در ثبوت نسخ دلیل ظنی را کافی می دانند و آن را از ثبوت قرآن جدا می کنند که با دلیل قطعی است (القطان، ص ۲۳۸). اما دیگران گفته اند که اجماع مسلمانان بر ثبوت قرآن بادلیل قطعی [تواتر نقل] است، پس خبر واحد [ودلیل ظنی] چه در اثبات آیه ای و چه نسخ آن جایگاهی ندارد و هیچ گونه ترتیب اثری به آن داده نخواهد شد (خوئی، ص ۳۰۴). در تقسیم هر امر به انواع مختلف برای هر نوع، نخست باید شاهد فراوان و کافی در اختیار داشته باشیم، به طوری که به سهولت وبدون تکلف قاعده ای را از آن استنباط کنیم؛ اما در نسخ تلاوت جز چند روایت که همه خبر واحداند و نمی توان به طور قطع گفت که موارد مطرح در آن ها جزو قرآن بوده اند، چیز دیگری در اختیار نیست، پس در واقع حجتی وجود ندارد(صالح، ص ۲۶۵).

۸-۶- برخی وجود دلیل نقلی را در اعتقاد به نسخ تلاوت کافی می دانند (القطان، ص ۲۳۸؛ زرقانی، ص ۴۹۰)؛ اما اینان به این نکته توجه ندارند که قدرت دلیل تا چه حدی است و آیا هر دلیلی توانائی اثبات مدعا را دارد یا نه؟ این افراد می خواهند با اخباری آحاد، نسخ تلاوت شماری از آیات قرآن را ثابت کنند؛ ولی از نظر اصولی چنین چیزی امکان ندارد و اصولیان چنین مطلبی را انکار می کنند(العریض، ۲۱۸).

۸-۷- شماری از علمای اهل سنت و شیعه (سید مرتضی و طوسی) در صورت

تحقق نسخ تلاوت واثبات آن با شواهد قابل قبول مبنی بر وجود حکمت و مصلحت

در این نوع نسخ، می‌گویند چون منسوخ التلاوة از طرف شارع حکیم است و او مصالح بندگان را در تمام زمان‌ها و شرایط در نظر دارد، اگر ما حکمت «منسوخ التلاوة» را هم درک نکنیم دلیل نبودن مصلحت در آن نیست. این گروه در واقع بر امکان عقلی نسخ تلاوت پای می‌فشرند و می‌گویند اشکال ندارد که لفظ و معنی از هم جدا شوند و یکی نسخ گردد،^۱ چون لفظ دال بر حکم است نه موجب و اثبات کننده آن و همانند علم نیست که وجود آن در شخصی موجب و مثبت عالم بودن اوست و با فقدان علم، عالم بودن نیز از میان برود (طوسی، العده، ۵۱۵/۲).

ممکن است در رد این رویکرد گفته شود همچنان که وجود علم بنیان و اساس عالم بودن شخص است، وجود نص و الفاظی که در عالم خارج - به صورت اصوات مسموع یابه شکل کلمات قابل درک و رؤیت - بر معنی و حکم دلالت داشته باشند، اساس و بنیان درک و استنباط معنی از آن الفاظ است و اگر کلمات نباشند چگونه معنا و درپی آن حکم را دریابیم.

البته شاید بتوان در پاسخ به این اشکال گفت که پس از انتشار لفظ، معنا و حکم، معنا و صورت تحقق یافته خارجی لفظ که به صورت سنتی عملی و حکمی متبوع در متن امت جاری است، ما را از لفظ بی‌نیاز می‌سازد. اینان نسخ تلاوت را از لحاظ عقلی ثابت و صحیح دانسته‌اند، اما از جهت وقوع آن در عالم واقع حداقل آن است که قضیه را امری مشکوک و ثابت نشده می‌دانند و هرگاه درباره ادله نقلی می‌گویند: «قیل: واقع» مقصودشان آن است که قول ضعیفی می‌گوید این امر واقع شده است.

در مجموع با نظر به ادله قائلان به تحقق خارجی و وقع عملی «نسخ تلاوت» درمی‌یابیم که از لحاظ نقلی ادله محکم و غیرقابل نقضی ارائه نداده‌اند و بر هر یک از آن‌ها می‌توان خدشه‌ای وارد کرد که بیشتر منکران نسخ تلاوت نیز از راه رد این دسته از روایات وارد شده‌اند. حتی کسی مثل آیت‌الله خوئی که نسخ تلاوت را عین تحریف

۱. مقصود این است که لفظ آیه نسخ شود (نسخ تلاوت) و حکم آن باقی بماند.

می داند می گوید مستند نسخ تلاوت، اخبار آحاد است که در قضیه نسخ جایگاهی ندارند (ص ۲۲۴). به نظر می رسد اونیز به سبب خبر واحد بودن روایات، نسخ تلاوت را قبول ندارد و آن را عین قول به تحریف می داند.

لیکن روی هم رفته آیت الله خوئی در جایگاه رد مسأله نسخ تلاوت موضع مبهمی دارد، چون برای اثبات ادعای خود و نفی نسخ تلاوت تنها خبر واحد بودن روایات را مورد انتقاد قرار می دهد و هیچ اشاره ای ندارد به اینکه آیا از لحاظ عقلی نسخ تلاوت قابل اثبات است یا نه؟ گویا اگر خبر متواتر در تأیید نسخ تلاوت وجود داشت، ایشان این نوع نسخ را می پذیرفت (ص ۳۰۴).

صرف نظر از این مورد، منکران نسخ تلاوت دلیل عقلی محض در رد آن ارائه نکرده اند و گویا صرفاً چون خبر درست و یقین آوری در دست نبوده است به رد آن پرداخته اند؛ اما امکان عقلی تحقق آن را به صراحت منکر نشده اند.

۹- نتیجه

با نظر به دلایل عقلی و نقلی قائلان به نسخ تلاوت و همچنین بررسی دلایل منکران آن، می توان دریافت که هم قول به وقوع و تحقق خارجی نسخ تلاوت و هم رد امکان عقلی تحقق و وقوع آن، حاصل فهم و مواجهه شتاب زده گروهی از عالمان با این موضوع است. اهل سنت بسی بیشتر از شیعیان بر روایات مذکور درباره تحقق خارجی نسخ تلاوت تکیه دارند و آن ها را از جوامع حدیثی کهن خود همچون مسند احمد بن حنبل نقل کرده اند. با ارزیابی ادله آنان به این نتیجه دست یافتیم که چون روایات وارد در این باب خبر واحدند و خبر واحد در اثبات قرآنی بودن کلامی - خواه بر وجه تثبیت و خواه بر وجه نسخ - کافی نیست، این گونه روایات توانایی اثبات قرآنی بودن چیزی را ندارند. اما علمای شیعه شاید به دلیل این که در سلسله سند این روایات، راویان شیعه کمتر به چشم می خورند، چنین احادیثی را غالباً تأیید نکرده و فقط از نظر عقلی امکان نسخ تلاوت را پذیرفته اند. فرجام سخن آن که می توان گفت از نظر

عقلی امکان وقوع نسخ تلاوت پذیرفتنی می نماید.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بارزی؛ *ناسخ القرآن العزیز و منسوخه*، تحقیق: الدكتور حاتم صالح الضامن، بیروت، بی تا.
- ابن جوزی؛ *عبدالرحمن بن علی، نواسخ القرآن*، بیروت، ۱۴۲۳/هـ/۲۰۰۲م.
- ابن حنبل، احمد؛ *مسند*، بیروت، ۱۳۸۹/هـ/۱۹۶۹ م.
- ابن دعامة السدوسی، قتادة؛ *كتاب الناسخ و المنسوخ فی کتاب الله تعالی*، تحقیق: حاتم صالح الضامن، بیروت، ۱۴۰۹/هـ/۱۹۹۷م.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد؛ *التحریر و التنویر*، بیروت، ۱۴۲۰/هـ/۲۰۰۰م.
- ابوزهره، محمد؛ *اصول الفقه*، بیروت، بی تا.
- ابوزید، نصر حامد؛ *معنای متن*، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، تهران، ۱۳۸۰ش.
- الحفناوی، محمد ابراهیم؛ *دراسات أصولیة فی القرآن الکریم*، طنطا: الاشعاع الفنیة، ۱۴۱۹/هـ/۱۹۹۹م.
- خوئی، ابوالقاسم؛ *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، بی تا.
- رشیدرضا، محمد؛ *تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار*، بیروت، بی تا.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، بی تا.
- زرکشی، محمد بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: یوسف مرعشلی و جمال الذهبی و ابراهیم الکریدی، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۵/هـ/۱۹۹۴م.
- زید، مصطفی، *النسخ فی القرآن الکریم*، بیروت، بی تا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ *الإتقان فی علوم القرآن*، به کوشش: مصطفی دیب البغا، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۰۷-۱۹۸۷م، چاپ اول.
- صالح، صبحی؛ *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت، بی تا.

- طبری، محمدبن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد محمد شاکر و محمود محمد شاکر، مصر، بی تا.
- طوسی، محمدبن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*، نجف اشرف، بی تا.
- _____؛ *العدة فی اصول الفقه*، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم، بی تا.
- العریض، علی حسن؛ *فتح المنان فی نسخ القرآن*، مصر، بی تا.
- عسکری، مرتضی؛ *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تهران (قم)، بی تا.
- علامه حلی، حسن بن یوسف؛ *مبادئ الأصول*، نجف اشرف، ۱۳۹۰هـ/۱۹۷۰م.
- _____؛ *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد، بی تا.
- _____؛ *قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم، ۱۴۱۳هـ.
- علم الهدی، علی بن حسین؛ *الذریعة إلی اصول الشریعة*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.
- فیض کاشانی، محمد؛ *الصفافی فی تفسیر القرآن*، تهران، ۱۳۹۳هـ.
- قرضاوی، یوسف؛ *الجدل حول آیه السیف*، در سایت شخصی ایشان بر روی اینترنت قابل دسترسی است. www.gardawi.net
- القطان، مناع؛ *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت، ۱۴۲۱هـ/۲۰۰۰م.
- قطب راوندی، سعیدبن هبة الله؛ *فقه القرآن*، قم، ۱۳۹۷هـ.
- کاشانی، فتح الله؛ *منهج الصادقین*، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۴۷هـ.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ *فروع الکافی*، تحقیق: محمد جواد مغنیه، تصحیح: یوسف بقاعی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۲م.
- مالک ابن انس، *الموطأ*، شرح زرقانی، مصر، ۱۳۵۵هـ-۱۹۳۶م.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، *معارج الأصول*، قم، ۱۴۰۳هـ.
- مدرسی طباطبایی، حسین، «ستیزه‌های دیرین درباره تحریف قرآن»، *هفت آسمان*، شماره ۱۱، قم.
- مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، تهران، بی تا.